

جنبش کارگری ایران در سال ۱۴۰۰

نگاهی به جدول زیر نتایج بدین شرح برای ما روشن می کند که: رشد کل اعتراضات در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ فقط ۹ درصد بوده، حال آن که رشد اعتصابات سال ۹۶ نسبت به سال قبل از آن ۵۹ درصد است. همین روند با شدت بیشتر و گسترده تر در سال ۹۷ ادامه یافته است بطوری که رشد اعتراضات سال ۹۷ نسبت به سال قبل آن ۳۴ درصد است اما در سال ۹۸ حدود ۳۷ درصد کاهش می یابد. رشد اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۹ به بالا ترین حد خود یعنی ۷۸ درصد بیش از سال ۹۸ است. این روند اعتراضات کارگری در سال ۱۴۰۰ ادامه یافت و به رقم نجومی ۲۳۳۴ یعنی ۲۷ درصد بیش از سال ۹۹ رسید. این حرکات و مبارزات در بر دارنده توده عظیم چند ده هزاری کارگران بوده است، از کارگران حوزه آموزش سرمایه تا حوزه بهداشت و درمان، شهرداری ها و کارگران شرکت ها و زیر مجموعه های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ها که از آخر خرداد با عظمی جزم علیه سرمایه داران پیمانکار شروع گردید و تا ماه مهر ادامه یافت و بعد از این نیز کارگران حوزه آموزش دست به تجمع، اعتصاب و اعتراض زیر فشار فقر، دستمزدهای نازل و قرار دادهای کوتاه مدت علیه دولت سرمایه زدند که تا ماه اسفند ادامه یافت. همه این اعتراضات و ارقام بالای کارگران شرکت کننده از تعالی کمی و عددی جنبش کارگری علیه سرمایه حکایت دارد. آنچه توده های عظیم کارگری تا اینجا و در این سال انجام داده اند جای گفتگو دارد، بسان هر لحظه ای از هر اعتراض و خیزشی حاوی ضعف ها و قوت ها است. مسائلی که باید قطعاً مورد شناسائی و بازبینی قرار گیرند، اینکه ادامه کار چه خواهد شد، در سال جدید چه پیش خواهد آمد و سرنوشت موج تازه پیکار کارگران چگونه رقم خواهد خورد نیز موضوع مهمی است که اگر نه در همه صدر و ذیل خود، اما تا حدود زیادی به نوع ارزیابی و مواجهه همزنجیران کارگر با همین ضعف و قوت ها ارتباط دارد.

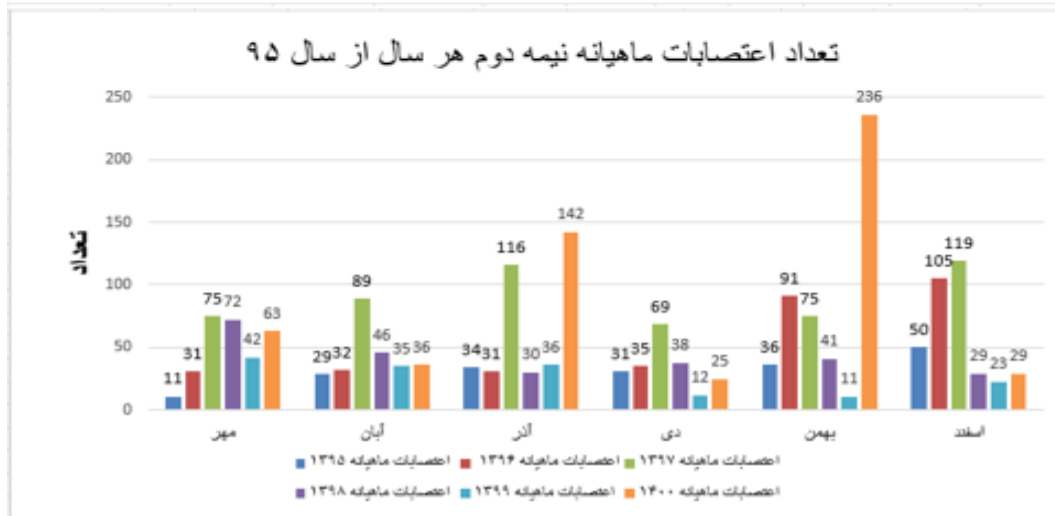
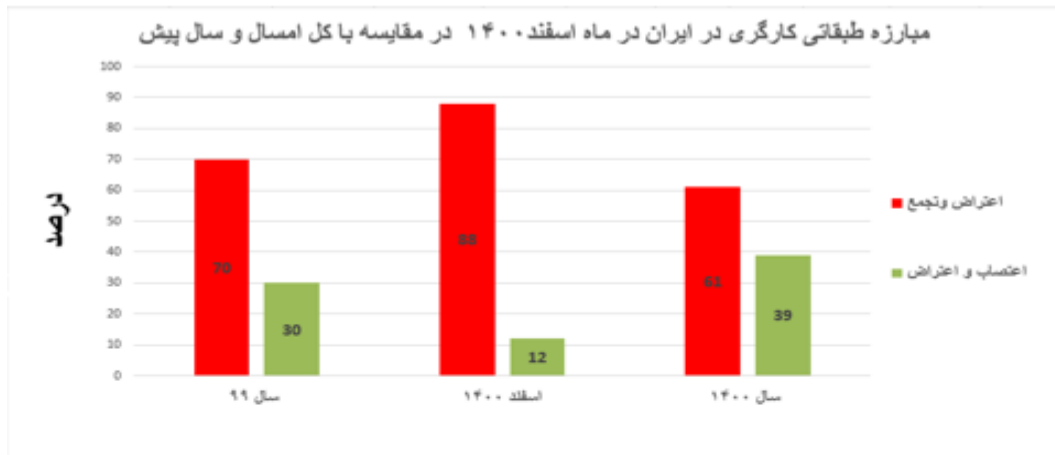
کارگران با شعارهای «معلم بیدار است از تبعیض بیزار است» و یا همسان سازی دستمزدها چیزی جز رو در رو قرار گرفتن با سایر کارگران، نتیجه ای جز تضعیف و متشتت کردن صف طبقاتی کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها، ندارد. سر دادن شعار «مدیر بی کفایت استعفا، استعفا»، «کارگر

بیدار است از تبعیض بیزار است»، «یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه» از عوض شدن وزیر و مدیر سرمایه و مشابه این ها، دست به اعتراض و تظاهرات خیابانی زده ایم. تعدادی از معلمان سرنوشت خود و اعتراضاتشان را به نهاد موسوم به «کانون صنفی» معلمان گره زده اند. با شعار «کارگر و معلم !!» از بدنه کارگری و کل طبقه کارگر به دلایل واهی طبقه متوسط جدا می کنیم! اگر کارگر نفتیم در اعتراضات چند ماهه خود را صرفا کارگر نفت قلمداد می کنیم. این فاجعه دامنگیر طبقه ما است. ما هویت خود را با اسم و رسم، مالکیت، ماشین آلات، مدیریت سازمان آموزشی و جواز کسب صاحب سرمایه توصیف می کنیم و از چارچوب تعیین شده توسط سرمایه خارج نمی شویم، کاتولیک تر از پاپ آنچه سرمایه می خواهد و آرزو دارد را انجام می دهیم! سرافراز و سربلند فریاد می زنیم که کارگر شرکت نفت، هفت تپه، معلم، بازنشسته، پرستار و کادر درمان یا دیگر واحد صنعت هستیم! بر روی وجود خود به عنوان آحادی از طبقه کارگر، طبقه آماج فشار خرد کننده و کوبنده استثمار دهشتناک سرمایه، اسیر حاکمیت بربریت منشانه سرمایه داری، در حال پیکار علیه استثمار، ستم، جنایت و بشرستیزی سرمایه، بر روی موجودت و هویت طبقاتی خویش به طور کامل خط می کشیم و آن را نفی می کنیم!

از طرف دیگر محور اصلی خیزش در این سال سطح نازل دستمزدها و قرار دادهای موقت می باشد. مزد کارگران نمی بایست تابع انباشت و میزان سوددهی سرمایه باشد. مزد قطره ناچیزی از رود پرخروش ارزش ها و اضافه ارزشهائی است که طبقه کارگر تولید می کند. مقدار آن نیز تابع بی چون و چرای قیمت محصولات و بخصوص محصولات مورد نیاز و ضروری زندگی روزانه کارگران است و بهمین دلیل با افزایش روزانه و ساعتی قیمت ها قدرت خرید کارگران کاهش می یابد. فشار کاهش قیمت نیروی کار، عدم اطمینان به آینده خود، تهدید فقر و بیکاری کارگران را به ستوه آورده است. تنها راه چاره گره زدن سهم خود به کل آن چه ما تولید می کنیم است و نه محاسبه آن بر مبنای حد فقر، نه با احتساب تورم سالانه و نه این که کارگر هم زنجیر ما در محل دیگری از کار و استثمار چقدر بیشتر یا کمتر از ما دستمزد می گیرد بنا کنیم، بلکه فقط و فقط بر اساس آن چه که کل طبقه ما در طی سال تولید

می کند محاسبه نمائیم. محصول اجتماعی سالانه که تولید کرده ایم می بایست مبنای دستمزد ما قرار گیرد. به این ترتیب ما به نبرد با سرمایه در این زمینه می رویم. ما درست به عکس سرمایه داران که خواهان انباشت همه تولید اجتماعی سال هستند خواهان دستمزد شدن این محصول هستیم. برای این کار می بایست دست به کار تقلا برای همصدائی، همپیوندی، همسوئی و همسنجی نیرومند سراسری و طبقاتی گردید. چرخ کار را از چرخش فرو اندازیم. هم زمان راه افنیم، با هم به گفتگو بنشینیم و اعتصاب را هسته رشد یابنده و بالنده یک شورای واقعی ضد سرمایه داری و شوراهاى فراوان بعدی سازیم. راه درست تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار شورایی، طبقاتی و اجتماعی گزند ناپذیر همیشگی را پی گیریم. یک قدرت شورایی متکی به دخالت گری، چاره پردازی، راه حل جویی و اعمال اراده آگاه، هشیار، نافذ و توانای همه آحاد هم زنجیران که کل قدرت خود را از ایفای نقش و کاردانی و دخالت تک، تک ما اتخاذ کند، همه ما در درون آن با همه تفاوت ها در میزان سواد و سن و شناخت و شعور و راه حل یابی، بسان سلول های زنده یک پیکر به هم پیوند خوریم.

سال	کل اعتراضات	جمع اعتصابات	درصد اعتصابات از کل
۱۳۹۵	۱۱۳۰	۲۵۹	۲۳
۱۳۹۶	۱۲۴۰	۴۱۳	۳۳
۱۳۹۷	۱۶۶۲	۹۱۰	۵۵
۱۳۹۸	۱۰۴۱	۵۳۲	۵۱
۱۳۹۹	۱۸۵۶	۵۵۰	۳۰
۱۴۰۰	۲۳۳۴	۹۰۱	۳۹



ابراهیم پاینده

فروردین ۱۴۰۱